



۱۰

سیمای نجیب چند آنارشویست



۱۲

سرقت دردل توفان



۱۱

نگاهی به کتاب «سفر به قیله»
که از معدود سفرنامه‌های خوش خوان و پُرطرفدار حج است
زیارت قبول؛ عزیز نویسنده!



فرهنگ

سه‌شنبه: ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۲۳

۹ جامه

رصدخانه



یادداشت:
سیدکریم محمدی
فعال فرهنگی و
اجتماعی

بازی با خون

امروز، صد و چهاردهمین
سالروز صدور فرمان
مشروطیت است

صبح چهاردهم مرداد ۱۲۸۵ شمسی وقتی مظفّرالدین شاه قاجار، متن فرمان مشروطه را امضا و به مجلس شورای ملی ارسال کرد، طبعاً به مفاد آن یعنی استقرار عدالت و حاکمیت ملی باوری نداشت؛ متنی حاصل قیام مشروطه‌خواهان که ریشه در دو قیام پیشین طی ۳۵ سال داشت و نقش مردم و چهره‌ها و تأثیر سیاست‌های خارجی حاکم بر ایران در آن مشهود بود. قیام اول، واسط سلطنت ناصرالدین‌شاه ضد قرارداد رویتر بود و قیام دوم علیه قرارداد توتون و تنباکو اتفاق افتاده بود. طی قیام دوم، میرزای شیرازی دو نامه اعتراضی به شاه نوشت، با ارسال نامه دوم، اعتراض‌های مردمی در تهران و دیگر شهرها آغاز شد و در تبریز به قیام مردم انجامید، ناصرالدین‌شاه، قیام مردم تبریز را فتنه نامید و این درحالی بود که شرکت دخانیات مستقر در تبریز توسط مردم تعطیل شده بود. شاه، اعتراضات مردم اصفهان را نیز «بی‌معنی» و «مزخرف» خوانده بود. کار به مخابره تلگرافی تهدیدآمیز به مردم تبریز و اصفهان و سایر شهرها کشید؛ «با خون خود بازی نکنید.» به دنبال این گستاخ، میرزای شیرازی طی صدور فتوایی توتون و تنباکو را تحریم کرد. شاه درحالی که خشمگین بود، دستور داد در کاخ برایش قلیان آماده کنند. ملکه گفت: «حرام است»، شاه خروش برآورد چه‌کسی حرام کرده است؟ ملکه با قاطعیت جواب داد آن‌که مرا بر تو حلال کرده است. این بلواتا جایی ادامه یافت که ناصرالدین‌شاه در اردیبهشت ۱۲۸۵ توسط میرزا رضا کرمانی ترور شد و پسرش مظفّرالدین‌شاه به سلطنت رسید. مظفّرالدین‌شاه که وقایع به قیام‌های مردم در دوران پدرش را شاهد بود برای رفع بحران و کینه‌های فروخته مردم ۱۰ سال بعد و به‌ناچار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت را امضا کرد که منجر به تشکیل مجلس شورای ملی شد. دو ماه بعد شاه درگذشت و فرزندش محمدعلی‌شاه به سلطنت رسید. پیشاتازان نهضت مشروطه برای تحقق حاکمیت ملی سردار اسعد بختیاری از غرب ایران، سپهبد تکتکانی از شمال ایران و مراجع تقلید سیدجواد بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی از تهران و ستارخان سردارملی از خطه تبریز قهرمان به پا خاستند و نهضت مشروطه محقق شد. درست است که بعدها نهضت مشروطه را زیاده‌خواهان و روشنفکرانما به انحطاط و انصراف کشیدند، ولی همان قدر به رسمیت شناخته‌شدن اعتراضات مردمی و پذیرش استقرار عدالت و حاکمیت ملی و این‌که شاه باید سلطنت کند نه حکومت، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بوده است.

به فارسی بخوانید

تاریخ بیداری ایرانیان

نویسنده: ناظم‌الاسلام کرمانی

ناشر: امیرکبیر

ببینید

کمال‌الملک/ ۱۳۶۲

کارگردان: علی حاتمی



استادی متهم به خالتورنوازی!



۱۴ مرداد سالروز تولد اسد... ملک،
آهنگساز و نوازنده است

در میان مشاهیر ویولن نوازی رادیو و برنامه گل‌ها، اسد... ملک (۱۳۸۰-۱۳۲۰) از همه جوان‌تر بود. انقلاب، ملک همچون ویولن‌استاد ابوالحسن صبا بود که در واپسین سال‌های حیات استاد از او مشق نوازندگی گرفت. بر این اساس از نخستین نسل شاگردان ویولن صبا بین ۲۰ تا ۳۰ سال کوچک‌تر بود. در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب، ملک همچون بسیاری از نوازندگان رادیو از فعالیت رسمی بازماند و به خلوت خزید. اما از آغاز دهه ۷۰ کار را از سر گرفت و با تلاشی جانانه ویولن نوازی ایرانی را به صحنه‌های رسمی کشاند. حتی با صدا و سیما هم همکاری کرد و امتیاز پخش چندین اثرش را به انتشارات سروش سپرد. در این سال‌ها او با گرد آوردن گروهی از هنرمندان قدیم و جدید و همکاری با چند خواننده نوپا - و اغلب ناکارآمد - به خلق آثاری پرداخت که بسیاری از آنها به‌ویژه آثار بی‌کلام، نشانه تداوم آثاری‌های اوست.

جدا از نوازندگی، ملک از معدود ویولن‌نوازان بود که همواره بخشی از نیرویش را صرف تدریس و پرورش شاگرد می‌کرد. در سال‌هایی که دیگر استادان ویولن ایرانی یا منزوی بودند یا در خلوت به ضبط و انتشار آثاری شخصی خود می‌پرداختند و به‌ندرت یک‌با نفر را به شاگردی می‌پذیرفتند، ملک تا پایان عمر در کلاس آموزش می‌نشست و با حوصله تمام به جوانان علاقه‌مند سرمشق می‌داد. خیل عظیم هنرجویانی که در سه دهه اخیر از او یا از شاگردانش نواختن ویولن را آموخته‌اند، گواه این نکته است. با ظهور موج نو در موسیقی و کم‌شدن استفاده از سازها به خصوص ساز ویولن، اسد... ملک بیش از دیگران از تیغ این رویکرد پرتعصب زخم خورد و بیشتر از همه به خالتورنوازی متهم شد. علت شاید آن بود که او پس از پرویز یاحقی بیشترین محبوبیت رانزد مخاطب عام داشت. همچنین بسیاری از نوازندگان سطح پایین و به اصطلاح کوچه‌بازاری برای جذب مخاطب بیشتر سعی در تقلید سطحی و ناپرورده از شیوه نوازندگی ملک داشته‌اند. اما هرگز از یاد اهالی موسیقی نخواهد رفت که استاد احمد عبادی، یعنی تنها نوازنده رادیو، بیشترین تکنوازی‌هایش را در کنار ویولن اسد... ملک اجرا کرد. حتی محمدرضا لطفی که خود از پیشگامان احیای سنت گرایان در موسیقی ایران بوده و هیچ‌گاه روی خوشی به ویولن ایرانی نشان نداده است، در بروشور چند نمونه از آثارش، هنگام صحبت از سرآمدان بداهه نوازی از اسد... ملک هم یاد کرده است.

فعالیت‌های صنفی به خصوص در عرصه مشاغل هنری در ایران همواره فراز و فرودهای بسیاری داشته است؛ کشمکش‌ها و بعضاً ناهماهنگی‌هایی که یک طرف را نارضاعی کرده و موجب شده مقابل طرف دیگر بایستند. این یعنی همان دو دستگی که هر جاشکل بگیرد به‌طور مداوم دردسره‌ای بیشتری را ایجاد خواهد کرد. خانه سینما یکی از اصناف مهم هنری است که باید گفت در مقایسه با شرایط صنفی دیگر هنرها در ایران وضعیتی بهتر داشته است.

شرایطی که البته چند سال یک‌بار به سوی نا بهتر شدن هم حرکت کرده و اختلاف و بگو مگو فراوان داشته است. حاشیه‌های اصلی خانه سینما هم نه حالا و امروز و در کشمکش ایجاد شده میان کارگردان‌ها، بلکه حدود یک دهه قبل‌تر یعنی در دی ماه ۹۰ آغاز شد. آن زمان اعلام شد خانه سینما به علت تخلفاتی که انجام داده، منحل می‌شود. این انحلال اما دو سال ادامه پیدا کرد و بدل شد به گریه که هر تلاشی برای بازگردنش آن را کورتر می‌کرد. تا این که بالاخره در ۲۱ شهریور ۹۲ و همزمان با روز ملی سینما، با حکم علی جنتی، وزیر وقت ارشاد دولت یازدهم (حسن روحانی) بازگشایی شد.

یادآوری این دوران تیره و تار خانه سینما در این مقدمه چه دلیل و ضرورتی داشت؟ قصد این بود که به‌رسمیم آیا چنین تجربه ناخوشایندی که باعث ناراحتی و اختلاف اهالی سینما شده و مباحث سیاسی بر بحث‌های صنفی سایه انداخته‌بود، درس عبرتی برای کار صنفی صمیمانه و دوستانه در فضایی آرامش‌بخش در ادامه و در سال‌های بعد شد؟ متأسفانه جواب، یک نه قاطع است. کشمکش میان تهیه‌کننده‌ها در دو تشکل شورای عالی تهیه‌کنندگان و جامعه صنفی تهیه‌کنندگان، خودگویای وضعیت صنوف و تشکل‌های سینمایی است و ما هنوز یک نهاد واحد و مشترک و همدل صنفی تهیه‌کنندگی نداریم.

حالا در تازه‌ترین رسوایی و جنجال صنفی، بحث اختلاف کارگردان‌های سینمای ایران خبرساز شده است. اتفاقی که نه شایسته و زیننده فیلمسازان نام‌آشنای سینمای ماست که پایگاهی فرهنگی در جامعه دارند و نه در شأن خانه سینمایی که طبق اهداف اولیه تأسیسش قرار بود از حقوق مادی و معنوی دست اندرکاران حرفه‌ای تولید، توزیع و نمایش هنر- صنعت سینما حفظ و صیانت کند و در ایجاد امنیت شغلی و تأمین اجتماعی سینماگران نقش داشته‌باشد.

ماجرای کجا شروع شد؟

۳ عضو اصلی کانون کارگردانان با نگارش نامه‌ای نسبت به حذف ۳۳۰ عضو در انجمن صنفی کارفرمایی کارگردانان سینمای استان تهران اعتراض کردند. این خبر را ایستنا ۱۰ مرداد منتشر کرد.

قبل از این‌که ادامه دهیم، خیلی خلاصه بگویم کانون کارگردانان چیست؟ یکی از اصناف خانه سینما که تشکلی صنفی و مستقل است و هدف از تشکیل آن، حفظ و صیانت حقوق مادی و معنوی اعضا و کمک به ارتقای کیفی سینمای ایران است.

اعضای این کانون چه کسانی هستند؟ تعدادی از کارگردانان حرفه‌ای سینمای ایران. اعضای شورای مرکزی کانون عبارتند از: محسن امیریوسفی (رئیس کانون)، احمد امینی، مهرداد خوشبخت، پوران درخشنده، رضا درمیشیان، قدرت‌ا... صلح میرزایی، محمدرضا عرب، مصطفی کبابی، خسرو معصومی، نادر مقدس، فرهاد مهرافرو و وحید موسائیان، حمید نعمت‌ا... سده نفر از این جمع یعنی پوران درخشنده، خسرو معصومی و رضا درمیشیان (دو

کارگردان پیشکسوت و یک کارگردان جوان) در نامه اعتراضی خود عنوان کرده‌اند شورای انجمن کارفرمایی کارگردانان مشروعبیت ندارد. آنها دلیل رسانه‌ای کردن این موضوع صنفی را رفتارهای غیرقانونی پی در پی و عدم پاسخگویی رئیس و بازرس شورا ذکر کردند. این سه کارگردان در بخشی از نامه خود نوشته‌اند: «با توجه به ثبت کانون کارگردانان سینمای ایران در وزارت کار تحت عنوان «انجمن صنفی کارفرمایی کارگردانان استان تهران» تا این لحظه اسامی ۳۵۰ کارگردان عضو کانون، به‌رغم بر کردن فرم‌های مربوط به انجمن صنفی کارفرمایی توسط کارگردانان و گذشت چند ماه از تأسیس، به بهانه بررسی نشدن مدارک به وزارت کار اعلام نشده است. ما معتقدیم تمام اعضای کانون کارگردانان عضو انجمن صنفی کارفرمایی هستند و نیازی به تأیید صلاحیت و نظارت استصوابی نیست اما تنها ۲۲ کارگردان به وزارت کار به عنوان عضو معرفی شده و تا زمانی که شورای مرکزی تأیید صلاحیت اعضا را به وزارت کار اعلام نکند، عضویت کارگردانان سینمای ایران به

رسمیت شناخته نخواهد شد.» شورای مرکزی در ادامه این نامه آمده: «شورای مرکزی دریافت شناسه برای شرکت در انتخابات هیات مدیره خانه سینما را بهانه کرده و به برگزاری مجمع عمومی مخفیانه ۲۲ نفره‌ای (بدون اطلاع‌رسانی به تمامی اعضای صنف) اقدام کرده است که مشروعبیت صنف کارگردانان را به شدت خدشه‌دار می‌سازد.»

یکی از گلیه‌های این فیلمسازان، عدم اطلاع‌رسانی درست و کافی در این مورد به همه اعضاست و ظاهراً شورای مرکزی برگزاری این انتخابات خلوت و کم‌تعداد را با مواردی چون کرونا و گنجایش نداشتن سالن توجیه کرده است.

واکنش کانون کارگردانان

روز بعد یعنی یازدهم مرداد، کانون کارگردانان نسبت به نامه اعتراضی این سه فیلمساز واکنش نشان داد که بخشی از جوابیه از این قرار است: «اعضای محترم کانون کارگردانان سینمای ایران در آخرین مجمع عمومی خود ماموریتی را به شورای مرکزی محول کرد و آن ثبت قانونی کانون در وزارت کار بود.» در ادامه کانون کارگردانان عنوان کرد برگزاری مجمع با همه اعضا ممکن نبود و هیات مدیره انجمن صنفی کارگردانان پس از مشورت با تعدادی از با تجربه‌های صنف ضمن حضور رئیس هیات مدیره خانه سینما و با توجه به این مساله که نماینده محترم وزارت کار اجازه برگزاری مجمع با تعداد بیش از ۵۰ نفر را نمی‌داد، تصمیم گرفت به‌طور قانونی و با دعوت از پیشکسوتان و تعدادی از کارگردانان جوان مجمع خود را برگزار کند.

همچنین در بخشی از واکنش کانون آمده است: «شورای مرکزی بلافاصله با برگزاری یک مجمع عمومی فراگیر، ضمن توضیح و شرح کامل و دقیق اقدامات به عمل آمده، تصمیم‌گیری در مورد ادامه فعالیت‌های خود را به عهده مجمع عمومی قرار خواهد داد.»

واکنش به واکنش

این واکنش کنایه‌آمیز، پایان کار نبود و دوباره سه کارگردان عضو کانون کارگردانان در دفاع از خیل همکاران خود و در مقابل

برخی همکاران خود در شورای مرکزی کانون کارگردانان دست به قلم شدند و ضمن هتاک خواندن لحن جوابیه کانون، نوشتند: «ما هنوز جواب پرسش‌های نامه‌مان را نگرفته‌ایم و نمی‌دانیم چرا هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایی کارگردانان به جای پاسخ به سوالات مطرح شده، مسیر توهین، تهمت و افترا را در پیش گرفته است؟»

تا لحظه نگارش این سطور، فعلاً خبری از ادامه این دعوی صنفی نیست. اما آن‌طور که از فضای دو نامه سه کارگردان و واکنش کانون کارگردانان برمی‌آید، می‌توان با سربلای سینمایی روبه‌رو بود و هرکدام تا اطلاع ثانوی می‌توانند از خجالت همدیگر درآیند. همان‌طور که ملاحظه کردید و می‌توانید با جست‌وجوی اینترنتی به اطلاعات بیشتری همچون متن کامل این نامه‌ها دسترسی پیدا کنید، با یک جنگ داخلی و جدال صنفی مواجه‌ایم که رسانه‌ای شده است و هر گروه، دیگری را مقصر جلوه می‌دهد.

درخشنده، معصومی و درمیشیان، از یک تخیلف مهم در کانون کارگردانان خبر دادند و کانون هم در جوابیه همه چیز را قانونی دانست. فارغ از این‌که امیدواریم این کشمکش صنفی به زودی با همدلی و رفاقت حل و فصل شود و حقی از هیچ‌کدام از اعضای کانون کارگردانان ضایع نشود، جلوگیری از تکرار چنین دعوایی است که فضای مستعد تنش و آشوب سینمای ایران را آسیب‌پذیرتر خواهد کرد. در سینمایی که به اندازه کافی مشکل دارد، دست‌کم انتظار می‌رود خود اهالی سینما و همکاران در صنوف با یکدیگر مهربان‌تر و همدل‌تر باشند و هر موقع خوشی نسبی این راحتی و این آرامش تقریبی زیر دلشان زد، حال و روز سینما را در روزهای انحلال و تعطیلی خانه سینما به یاد بیاورند.

ضمن این‌که همچنان تأکید می‌کنیم مدیریت نکردن اختلافات که در هر کار و صنفی پیش می‌آید و اصلاً اساس پویایی یک حرفه را شکل می‌دهد و موضوعی خصمانه در منظر رسانه‌ها، صورت خوشی برای سینما و فضای فرهنگی و هنری کشور ندارد.

زمانی که اعضای کانون کارگردانان سینمای ایران درخت دوستی می‌نشانند، عکس: تسنیم